

نگاهی به دومین دوره فستیوال «شش هفته با هنر ایران»

تورنئو به میزبانی هنرمندان ایرانی می‌رود

دومین دوره فستیوال «شش هفته با هنر ایران» در کانادا کمتر از یک‌ماه دیگر در گالری کوینین آغاز می‌شود و شهر تورنتو رنگ و بوی ایرانی به خود می‌گیرد. این در حالی است که هم‌زمان با اعلام فراخوان ارسال آثار، بیش از ۲۲۰ فرم درخواست و بیش از هزار اثر برای نمایش در فستیوال فرستاده شده‌اند. در همین راستا و به دلیل حجم بالای آثار، بخش نخست داوری‌ها ۱۵ روز زودتر بررسی هستند. به علت کیفیت خوب آثار ارسال شده و محدودیت فضای نمایشی، کمیته فستیوال تصمیم گرفته است بخشی به عنوان اسلایدشو را به فستیوال اضافه کرده تا کارهای بیشتری به نمایش گذاشته و بینندگان با تنوع کاری بیشتری روبه‌رو شوند. در بخش فیلم هم سیف‌الله صمدیان مسولیت انتخاب مجموعه‌یی از بهترین‌های ۵ دهه گذشته «تصویرسال» را بر عهده گرفته، که در کنار آثار منتخب فستیوال «شش هفته با هنر ایران»، در سینمای «کارتون» شهر تورنتوی کانادا به نمایش درخواهند آمد. همچنین قرار است در این شش هفته، شش کارگاه آموزشی در زمینه نقاشی، گرافیک، عکاسی، تئاتر، نویسندگی خلاق و فیلم‌نامه‌نویسی، با حضور مدرسانی که در جامعه بین‌المللی شناخته‌شده هستند، برگزار شود که انتظار می‌رود با برپایی این ورکشاپ‌ها فضای پویا و خلاقیت فراهم شود. این فستیوال که به دبیری پویان طباطبایی برگزار می‌شود، برای معرفی هنر مدرن ایران، هنرمندان ایرانی و به ویژه هنرمندان متقیم کانادا به جامعه جهانی است. تاکنون آثاری از مهسا کریمی‌زاده، علی سلطانی، داود منطقی، مرتضی تیموری، امیر هنرمند، گلناز مقدم، عباس حاجی‌محمدی و حمیدرضا یازگانی در رشته‌های مختلف، به جشنواره راه یافته‌اند. همچنین پررنده سومین بخش نمایشگاه به نام «قطار مرموز» با



اضافه شدن کیمیا رهگذر به هنرمندان دعوت شده به فستیوال «شش هفته با هنر ایران» بسته شد. در این بخش روناک کردستانی (نقاش)، منصوره فیضی (مجسمه‌ساز)، لیلیامیری (گرافیکست)، عادل فرزیندر (مجسمه‌ساز)، کیمیا رهگذر (عکاس) و مریم عنایتی (گرافیکست) مهمان بخش ویژه زنان هنرمند خواهند بود. لیلیامیری از جمله گرافیکست‌هایی است که برای حضور در فستیوال برخی آثار خود را که با مریم عنایتی همکاری داشته، در کانادا به نمایش بگذارد. این دو نفر، تنها کسانی هستند که آثاری مشترک و با اعضایی مشترک در این فستیوال ارائه می‌کنند. میری درباره این همکاری می‌گوید: «ما همکاری‌های مشابهی داریم و شیوه کاری ما از هم دور نیست و این همکاری باعث شد توانیم کارهای بزرگ‌تری را انجام دهیم. کار و با توانیم کارمان را توسعه بدهیم.» در بخش نمایشگاه پیشکوتوان با نام «آینده در پس‌زمینه»، حضور محسن وزیری‌مقدم (نقاش) و مجسمه‌ساز، قید شویا (گرافیکست)، حمید جلیلی (عکاس) و ادمان آبوزیان (نقاش) قطعی شده است. همچنین فستیوال شش هفته با هنر ایران در این دوره، برای تقدیر از یک عمر فعالیت هنری، بزرگداشتی برای قید شویا، هنرمند گرافیکست، برگزار خواهد کرد. پویان طباطبایی دبیر فستیوال و برنده جایزه آژانس بین‌المللی عکس مگنوم، درباره بزرگداشت قید شویا، توضیح می‌دهد: «در نسل دوم هنرمندان معاصر ایران قید شویا گرافیکستی مدرن و جهانی است که در بیش از سه دهه فعالیت هنری‌اش، نه تنها نامی شناخته‌شده در عرصه جهانی بوده، بلکه در ایران هم خارج از فضای هنر هنر، فعالیت خود را بدون حاشیه ادامه داده است.»

موضوع جشنواره سال ۲۰۱۲ (هنر لحظه‌یی – لحظه هنر) است که برای ادای احترام به فرایند پیچیده خلاقیت، انتخاب شده است. برنامه‌های فستیوال به این شرح است:

۳۱ شهریور – ۱۲ مهر: نمایشگاه اول «آینده در پس زمینه» نام دارد. در این بخش آثار گروهی از پیشکوتوان هنرهای تجسمی از جمله محسن وزیری‌مقدم از پیشکامان هنر مدرن، قید شویا یکی از دوست گرافیکست برجسته بین‌المللی، حمید جلیلی از پیشگامان عکاسی تئاتر و… به نمایش درمی‌آید.

۳۱ شهریور – ۲۶ مهر: نمایشگاه دوم که هم‌زمان با نمایشگاه اول آغاز می‌شود، «شکفتن در مه» نام دارد. در این نمایشگاه «پنایتگذار «شش هفته با هنر ایران» تازه‌ترین آثار خود را تحت عنوان گروه «از آن فجنجان به نمایش می‌گذارند.

۱۴ مهر – ۲۶ مهر: سومین نمایشگاه «قطار مرموز» نام دارد که در این بخش آثار A بانوی ایرانی جوان نسل پس از انقلاب به نمایش درمی‌آید.

۲۸ مهر – ۱۰ آبان: «پرواز رنگ‌ها» نام آخرین نمایشگاه این فستیوال است که در سطح بین‌المللی برگزار می‌شود و شرکت در این بخش برای عموم هنرمندان در اقصی نقاط جهان آزاد بوده و آثار به انتخاب هیات‌دوران به نمایش درمی‌آید.

علاقه‌مندان برای شرکت در فستیوال «شش هفته با هنر ایران» می‌توانند به سایت **www.sixweeks.org** مراجعه کنند.

نگاهی به دومین دوره فستیوال «شش هفته با هنر ایران»

تورنئو به میزبانی هنرمندان ایرانی می‌رود

دومین دوره فستیوال «شش هفته با هنر ایران» در کانادا کمتر از یک‌ماه دیگر در گالری کوینین آغاز می‌شود و شهر تورنتو رنگ و بوی ایرانی به خود می‌گیرد. این در حالی است که هم‌زمان با اعلام فراخوان ارسال آثار، بیش از ۲۲۰ فرم درخواست و بیش از هزار اثر برای نمایش در فستیوال فرستاده شده‌اند. در همین راستا و به دلیل حجم بالای آثار، بخش نخست داوری‌ها ۱۵ روز زودتر بررسی هستند. به علت کیفیت خوب آثار ارسال شده و محدودیت فضای نمایشی، کمیته فستیوال تصمیم گرفته است بخشی به عنوان اسلایدشو را به فستیوال اضافه کرده تا کارهای بیشتری به نمایش گذاشته و بینندگان با تنوع کاری بیشتری روبه‌رو شوند. در بخش فیلم هم سیف‌الله صمدیان مسولیت انتخاب مجموعه‌یی از بهترین‌های ۵ دهه گذشته «تصویرسال» را بر عهده گرفته، که در کنار آثار منتخب فستیوال «شش هفته با هنر ایران»، در سینمای «کارتون» شهر تورنتوی کانادا به نمایش درخواهند آمد. همچنین قرار است در این شش هفته، شش کارگاه آموزشی در زمینه نقاشی، گرافیک، عکاسی، تئاتر، نویسندگی خلاق و فیلم‌نامه‌نویسی، با حضور مدرسانی که در جامعه بین‌المللی شناخته‌شده هستند، برگزار شود که انتظار می‌رود با برپایی این ورکشاپ‌ها فضای پویا و خلاقیت فراهم شود. این فستیوال که به دبیری پویان طباطبایی برگزار می‌شود، برای معرفی هنر مدرن ایران، هنرمندان ایرانی و به ویژه هنرمندان متقیم کانادا به جامعه جهانی است. تاکنون آثاری از مهسا کریمی‌زاده، علی سلطانی، داود منطقی، مرتضی تیموری، امیر هنرمند، گلناز مقدم، عباس حاجی‌محمدی و حمیدرضا یازگانی در رشته‌های مختلف، به جشنواره راه یافته‌اند. همچنین پررنده سومین بخش نمایشگاه به نام «قطار مرموز» با

«سکوت و گوشه‌گیری افراد به معنای نداشتن حرف تازه‌یی نیست، بلکه شاید آنها هنوز به چیزهایی اعتقاد داشته باشند.» شاید بار سوم یا نمی‌دانم چندم بود که داشتم نوشته کوتاه حبیب رضایی را دوباره می‌خواندم و ناخودآگاه یاد خیلی‌ها می‌افادم، یاد دوستانی که سال‌هاست آرام و در خلوت خود کار می‌کنند، آنها که به دنبال تیرها و حرف‌های جنجالی نیستند، آنها که همه‌جا دیده نمی‌شوند. یاد حمید جلیلی افتادم که در سکوت و آرامش و بدون نمایشگاه‌های چند صد میلیونی، بیش از چهار دهه است که عکاسی می‌کند. نه عکاسی تفریحی و درخت و کلاغ و پنجره و ادای نمایشگاه‌های دهه ۶۰ میلادی را درآوردن. سال‌هاست که دوست دارد عکس‌هایش دیده شوند، نقد شوند، اما از ترس اینکه میباید سوء برداشت شود که شاید می‌خواهد از شهرت بازبازی‌اش استفاده کند عکس‌هایش در سکوت و آرامش خانه در قفسه کم‌دی جا خوش کرده‌اند. از صحنه تئاتر تا استودیو کوچک عکاسی، حمید جلیلی سفری طولانی را از رئالیسم به سوررئالیسم در عکاسی طی کرده است. حالا در دهه چهارم انعکاس ذهن پیچیده‌اش درونی‌اش را با بازی‌های بی‌رونی‌اش گره بزند و وحدت و یکپارچگی نگاهش به جهان پیرامون را ثابت نگه دارد و تبدیل به یک روح سوررئال شود. دوره دوم فستیوال «شش هفته با هنر ایران» که در کمتر از ۳۰ روز دیگر در شهر تورنتو کانادا برگزار می‌شود، میزبان عکس‌های حمید جلیلی است. نخستین حضور انفرادی جلیلی به عنوان عکاس در کانادا، بهانه‌یی می‌شود تا پس از مدت‌ها سکوت، او درباره هنر، عکاسی و نحوه نگریستن حرف‌های جنجالی بزند که بخشی از آن را در اینجا می‌خوانیم:

■ **هنر از چه دوره‌یی به زندگی شما پررنگ شد؟**
همه چیز از کانون شروع شد، یعنی کانون پرورش کودکان و نوجوانان. سال‌هایی که امکانات برای بچه‌های کوچک واقع کم بود. کانون شروع کرد به برگزاری کلاس‌های آموزشی، و تبدیل شد به مکانی برای کودکان تا با هنر آشنایی پیدا کنند. افرادی مثل قیاد شویا، پرویز کلاتری، اسفندیار منفردزاده و… از همان سال‌های اول به عنوان مربی حضور داشتند. من سال ۵۰ وارد کانون شدم و آن وقت ۱۲ و ۱۳ سالم بود و با کلاس تئاتر شروع کردم. کم‌کم با اضافه شدن کلاس‌های سینما و عکاسی تقریباً تمام عصرهای ما در کانون می‌گذشت. فاصله مدرسه من با دفتر کانون دور بود و کلاس‌ها اغلب نیم ساعت بعد از تعطیلی مدارس شروع می‌شد. من هر روز این فاصله را می‌دویدم تا از کلاسی عقب نمانم. ایرج طهماسب، علی طائی، حسن دوست، علیقلی، همایون اسعدیان، پرهیز افخمی، فاطمه معتمدآریا و خیلی دوستان دیگر، همه بچه‌های کانون پرورش بودند. با رسیدن به ۱۸ سالگی باید به کانون بیرون می‌رفتم که خوشبختانه با قراردادهای که بسته شد، ما به عنوان مربی به شهرنشانه‌ها فرستاده شدیم تا کلاس‌های آموزشی کانون را برگزار کنیم. من به عنوان مدرس عکاسی به فیروزکوه و الشت فرستاده شدم.

■ **چه سالی عکاسی را به صورت جدی شروع کردید؟**
سال ۱۳۵۲ بود که نخستین بار در دوربین به دست برای گرفتن عکس از خانه خارج شدم و در چند محله راه رفتم تا توانم عکسی بگیرم. نخستین بار در روزنامه «کایر»، نشریه انجمن بازنگستان نقزی، عکسی از من به چاپ رسید. از آن تاریخ تا امروز جز بخش عکاسی خلاقه، عکاس تئاترهای زیادی بودم. فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی راه عکاسی پرآیند.

■ **از کجا با فستیوال «شش هفته با هنر ایران» آشنا شدید؟**
جدی پیش برنامه‌ها و آثار شرکت داده شده در فستیوال دوره قبل را دیده بودم و با توجه به دعوتی که صورت گرفت و آشنایی که با فستیوال داشتم پذیرفتم در این دوره شرکت کنم. به شخصه دوست ندارم در ایران نمایشگاه عکاسی داشته باشم، به این علت که همه من را به عنوان بازیگر می‌شناسند، تصور بر این است که می‌خواهم از شهرت بازیگریم سوءاستفاده کنم. در ۳۰ سال گذشته فقط عکس‌هایم را به دوستان نزدیک نشان دادم اما دوست دارم عکس‌ها دیده شوند، نظرات را بشنوم و نقاط قوت و ضعف را پیدا کنم، خصوصاً نظر افرادی که از فرهنگ‌های دیگری هستند برایم بسیار جالب است. شاید این موقعیت نمایش کارها در خارج از کشور، شرایطی را ایجاد کند که آن پیش‌دوری از بین برود و بتوانم بعدها در ایران هم نمایشگاه‌عکسی از کارهایم بپرآیند.

■ **عکس‌های شما را که می‌بینم، یک دوره کشف و هیجان وجود دارد که بسیار دوست دارم، بعد دوره بعدی وارد فضای عکاسی سینمایی و رئال (واقعی) می‌شوید. هم‌زمان با این دوره عکاسی تئاتر شروع می‌شود و دوباره یک جهش دارید. دوره چهارم عکس‌هایتان که به نظرم بهترین دوره کارهایتان است، شاید بازگشتی به فضای کشف و سوررئال باشد.**

نگاهی به دومین دوره فستیوال «شش هفته با هنر ایران»

تورنئو به میزبانی هنرمندان ایرانی می‌رود

دومین دوره فستیوال «شش هفته با هنر ایران» در کانادا کمتر از یک‌ماه دیگر در گالری کوینین آغاز می‌شود و شهر تورنتو رنگ و بوی ایرانی به خود می‌گیرد. این در حالی است که هم‌زمان با اعلام فراخوان ارسال آثار، بیش از ۲۲۰ فرم درخواست و بیش از هزار اثر برای نمایش در فستیوال فرستاده شده‌اند. در همین راستا و به دلیل حجم بالای آثار، بخش نخست داوری‌ها ۱۵ روز زودتر بررسی هستند. به علت کیفیت خوب آثار ارسال شده و محدودیت فضای نمایشی، کمیته فستیوال تصمیم گرفته است بخشی به عنوان اسلایدشو را به فستیوال اضافه کرده تا کارهای بیشتری به نمایش گذاشته و بینندگان با تنوع کاری بیشتری روبه‌رو شوند. در بخش فیلم هم سیف‌الله صمدیان مسولیت انتخاب مجموعه‌یی از بهترین‌های ۵ دهه گذشته «تصویرسال» را بر عهده گرفته، که در کنار آثار منتخب فستیوال «شش هفته با هنر ایران»، در سینمای «کارتون» شهر تورنتوی کانادا به نمایش درخواهند آمد. همچنین قرار است در این شش هفته، شش کارگاه آموزشی در زمینه نقاشی، گرافیک، عکاسی، تئاتر، نویسندگی خلاق و فیلم‌نامه‌نویسی، با حضور مدرسانی که در جامعه بین‌المللی شناخته‌شده هستند، برگزار شود که انتظار می‌رود با برپایی این ورکشاپ‌ها فضای پویا و خلاقیت فراهم شود. این فستیوال که به دبیری پویان طباطبایی برگزار می‌شود، برای معرفی هنر مدرن ایران، هنرمندان ایرانی و به ویژه هنرمندان متقیم کانادا به جامعه جهانی است. تاکنون آثاری از مهسا کریمی‌زاده، علی سلطانی، داود منطقی، مرتضی تیموری، امیر هنرمند، گلناز مقدم، عباس حاجی‌محمدی و حمیدرضا یازگانی در رشته‌های مختلف، به جشنواره راه یافته‌اند. همچنین پررنده سومین بخش نمایشگاه به نام «قطار مرموز» با

خودتان چه نظری دارید؟

دوره کارهای با آگراندیسمان، برایم کشف تصویر بود و اکثر کارها بدون دخالت دوربین به وجود می‌آمدند. در دوره‌های زغال از سال ۱۳۴۳ و به واسطه آشنایی با محمود کلاری در فیلم شهر موش‌ها شروع شد. در این دوره خیلی از محمود کلاری و عزیز ساعتی کمک گرفتم و به واسطه کار سینما، نزدیک به یک دهه را با هم بودیم. هر وقت فرصتی حتی کوتاه در بین فیلمبرداری دست می‌داد دوربین‌هایم را برمی‌داشتم و به همراه کلاری به کوهپیمایی و طبیعت‌گردی می‌رفتم. آنچه در کانون پرورش یادگرفته بودیم گرفتن عکس سالم بود، کلاری حضور احساس را در عکس به من نشان داد. آن دوران فیلم ای ایران را عکاسی کردم. در فیلم «دلشدگان»، عزیز ساعتی با ما به خارج از کشور نیامد و به آقای حاتمی گفتند جلیلی عکس بگیرد. قبول کردم که بخش خارج را هم من عکس بگیرم. عکاسی تئاتر را به صورت جدی در سال‌های ۱۳۶۶ – ۱۳۶۵ با کارهای «آیلا سپاسی و گروه تئاتر بازی» شروع کردم که تا چند سال اخیر هم به طور جدی عکاسی می‌کردم، اما مناسفانه فضای عکاسی تئاتر دستخوش تغییراتی شد که در آن باید مفصل توضیح بدهم. دوره جدید کارهایم در واقع آرزوهایی بود که با دیگر عکس گرفتن مهم نیست بلکه چه عکسی گرفتن مهم است. اگر به تاریخ رجوع کنیم، می‌بینم فردی که دوربین داشته و بلند بوده عکس سالم بگیرد، چه جایگاه مهمی در دیار پادشاهان داشته است و نفر دومی که بلند بوده عکس بگیرد خود پادشاه بوده‌است. واقعتاً این است که ما نمی‌توانیم علم را متوقف کنیم. امروزه دوربین یک وسیله است. در واقع در دوره آنالوگ کار با ابزار خیلی مهم

دوره کارهای با آگراندیسمان، برایم کشف تصویر بودو اکثر کارها بدون دخالت دوربین به وجود می‌آمدند. دوره کارهای رئال از سال ۱۳۶۳ و به واسطه آشنایی با محمود کلاری در فیلم شهر موش‌ها شروع شد. در این دوره خیلی از محمود کلاری و عزیز ساعتی کمک گرفتم و به واسطه کار سینما نزدیک به یک دهه را با هم بودیم. هر وقت فرصتی حتی کوتاه در بین فیلمبرداری دست می‌داد دوربین‌هایم را برمی‌داشتم و به همراه کلاری به کوهپیمایی و طبیعت‌گردی می‌رفتمیم

لحظه نتیجه محاسبات‌تان را نشان می‌دهد و می‌توانید با سرعت بسیار بیشتری روی چنین پروژه‌هایی کار کنید. روز در حال این ارتباطی که شما در رابطه دوره اول و دوره چهارم می‌بینید، همان نگاه فانتزی یا نوع متفاوتی از نگاه کردن به واقعت تصویر است که همیشه در من بوده. کارهای با آگراندیسمان، دفر تم کردن یا عجایبات، کار با نور در واقع برای من کشف دوباره تصویر یک شیء است. ما واقعاً نمی‌دانیم که آیا دیگران هم دقیقاً همان تصویری می‌بینند که ما می‌بینیم و آیا تصویر یک شیء برای اگر یکسان است؟ آیا رنگ‌ها را مانند هم تجربه می‌کنیم؟ اگر فقط کمی وسیع‌تر نگاه کنیم باید پرسیم: آیا تصویری که حشرات یا آبی‌زبان از یک شیء می‌بینند با آنچه ما می‌بینیم یکی است؟ کلام تصویر درست‌تر است؟ به نظرم شکفت‌انگیزی هنر در همین کشف دوباره‌هاست.

■ **شما دو دوره عکاسی را کنار گذاشتید، چه اتفاقی افتاد؟**
سال ۱۳۸۰ نخستین وقفه در عکاسی کردن اتفاق افتاد. سفری به پاریس داشتم. به همراه دوست خوبم، خسرو پیغمایی، به لاپراتوار پیکتو رفتم و سری به آرشیو عکس‌های آنجا زدیدم. دیدن کارهای بسیار قوی و جذاب عکاسان بنام دنیا و در ادامه بازدیدید از نمایشگاه‌های عکاسی آن دوره در پاریس فکرم را به‌شدت مشغول کرد. برای دو سال عکاسی را کنار گذاشتم. فکر کردم افرادی در جهان هستند که هنر عکاسی را تمام کرده‌اند و جایی برای کار جدیدی نمانده و ما چه حرف تازه‌یی داریم که بزنیم؟

دوره دوم پنج سال پیش بود، یعنی در سفری که به همراه گروهی از عکاسان جوان برای عکاسی به عنوان بازیگر می‌شناسند، تصور بر این است که می‌خواهم از شهرت بازیگریم سوءاستفاده کنم. در ۳۰ سال گذشته فقط عکس‌هایم را به دوستان نزدیک نشان دادم اما دوست دارم عکس‌ها دیده شوند، نظرات را بشنوم و نقاط قوت و ضعف را پیدا کنم، خصوصاً نظر افرادی که از فرهنگ‌های دیگری هستند برایم بسیار جالب است. شاید این موقعیت نمایش کارها در خارج از کشور، شرایطی را ایجاد کند که آن پیش‌دوری از بین برود و بتوانم بعدها در ایران هم نمایشگاه‌عکسی از کارهایم بپرآیند.

■ **عکس‌های شما را که می‌بینم، یک دوره کشف و هیجان وجود دارد که بسیار دوست دارم، بعد دوره بعدی وارد فضای عکاسی سینمایی و رئال (واقعی) می‌شوید. هم‌زمان با این دوره عکاسی تئاتر شروع می‌شود و دوباره یک جهش دارید. دوره چهارم عکس‌هایتان که به نظرم بهترین دوره کارهایتان است، شاید بازگشتی به فضای کشف و سوررئال باشد.**

نگاهی به دومین دوره فستیوال «شش هفته با هنر ایران»



شهرستانی رفتم. همه آنها دوربین دیجیتال داشتند و من با نگاتیو عکاسی می‌کردم. تا من ۳۰ فریم عکس بگیرم که نیاز به تعویض لنز و نورسنجی داشت، هر کدام از این دوستان ۴۰۰ فریم عکس گرفته بودند. بعد کارها را دیدیم و من دیدم که حتماً در ۴۰۰ فریم می‌شود تعداد عکس بهتری انتخاب کرد. تا در ۳۰ فریم، دیدم که با دنیای دیجیتال نمی‌توانم رابطه برقرار کنم. به عکاسی آنالوگ هم تعصب داشتم که البته هنوز هم گروهی از دوستان این تعصب را دارند. یک روز، تمام وسایل عکاسی را جمع کردم و گذاشتم در کمد و این شد که دوباره یک دوره فراق پیش آمد.

■ **چه شد که عاقبت تصمیم گرفتید از عکاسی آنالوگ به دیجیتال کوچ کنید؟**
یادمان نرود که تغییر همیشه سخت‌است. خصوصاً اگر شما به حرفه‌یی آشنا باشید و حالا مجبور شوید دوباره آن را از نو یاد بگیرید. در دوره آنالوگ، خودم پروسه عکاسی بسیار مهم بود. کسی که می‌توانست عکس بگیرد و چاپ کند جایگاه خیلی مهمی داشت. پس از دوره دیجیتال، هر کسی حتی با موبایلش می‌تواند عکس بگیرد. امروز دیگر عکس گرفتن مهم نیست بلکه چه عکسی گرفتن مهم است. اگر به تاریخ رجوع کنیم، می‌بینم فردی که دوربین داشته و بلند بوده عکس سالم بگیرد، چه جایگاه مهمی در دیار پادشاهان داشته است و نفر دومی که بلند بوده عکس بگیرد خود پادشاه بوده‌است. واقعتاً این است که ما نمی‌توانیم علم را متوقف کنیم. امروزه دوربین یک وسیله است. در واقع در دوره آنالوگ کار با ابزار خیلی مهم

دوره کارهای با آگراندیسمان، برایم کشف تصویر بودو اکثر کارها بدون دخالت دوربین به وجود می‌آمدند. دوره کارهای رئال از سال ۱۳۶۳ و به واسطه آشنایی با محمود کلاری در فیلم شهر موش‌ها شروع شد. در این دوره خیلی از محمود کلاری و عزیز ساعتی کمک گرفتم و به واسطه کار سینما نزدیک به یک دهه را با هم بودیم. هر وقت فرصتی حتی کوتاه در بین فیلمبرداری دست می‌داد دوربین‌هایم را برمی‌داشتم و به همراه کلاری به کوهپیمایی و طبیعت‌گردی می‌رفتمیم

لحظه نتیجه محاسبات‌تان را نشان می‌دهد و می‌توانید با سرعت بسیار بیشتری روی چنین پروژه‌هایی کار کنید. روز در دست داده و نگاه موجود در محصول نهایی مهم شده است.

■ **برگردیم به فستیوال «شش هفته با هنر ایران»، در این فستیوال عکس‌های شما در بخش پیشکوتوان هنر ایران، شرکت دارد و در کنار آثار جوانان ایرانی حاضر در بخش‌های دیگر قرار می‌گیرد. چه احساسی دارید؟**

خیلی خوشحالم که چنین اتفاقی می‌افتد. یادمان نرود که عکاسی و کلانتر با زمان تغییر می‌کند. وقتی از جوان‌ها دور بشویم، در واقع در زمان و دوره خودمان جا می‌مانیم. من کلاس‌های مجسمه‌سازی که می‌روم، استاد می‌تواند جای بسز من باشد، و من لذت می‌برم که از تکنیک‌های جدید یاد می‌گیرم. بالاتر از تکنیک، احساس بشرم متغیر است. ساده‌ترین نمونه اینکه احساس انسان در دهه‌های مختلف زندگی به طبیعت اطرافش تغییر می‌کند. پس شاید کارهای جوان‌های شرکت‌کننده در فستیوال برای من و کارهای من هم برای گروهی از آنها جالب باشد.

■ **امسال شما در تیم دآوری «فستیوال شش هفته با هنر ایران» هم حضور دارید که داوران کانادایی هم در کنار شما قرار دارند. فکر می‌کنید چه فرقی با داوری‌های دیگری که انجام دادید داشته باشد؟**
تشنگی کار در اینجاست که گروهی با افکار و پیش‌زمینه‌های مختلف فرهنگی – هنری کنار هم قرار می‌گیرند و آشنایی با این سلاقی برایم جذاب است. حضور داوران با‌نگاه‌های گوناگون و از کشورهای مختلف نشان می‌دهد فستیوال به دنبال نتیجه‌گیری گسترده‌تری است و می‌خواهد نگاهی جامع‌تر داشته باشد.

■ **اهمیت چنین فستیوال‌هایی را که در خارج از ایران و خصوصاً روی هنر معاصر و مدرن ایران کار می‌کنند، در چه می‌دانید؟**

به نظرم می‌سد هر جافرصتی ایجاد شود تا نگاه هنری معاصر ایران و هنرمندان امروزی‌مان را در دنیا به نمایش بگذاریم. اتفاق خوبی است و با این کار می‌توانیم تصویر ایران امروز را واقعی‌تر به دنیا نمایش بدهیم. در سفرهای خارجی همیشه دیده‌ام که سینما، موسیقی و آثار هنری ایرانی، مردم را به تعجب واداشته و ما را به هم نزدیک‌تر کرده است. در واقع آن تصور بدوی از ما از بین می‌رود. کارهای کلاسیک ما تاحدی شناخته شده است و نمایش آثار کلاسیک مانند کارهای کمال‌الملک در غرب کار ویژه‌یی نیست چون آنها چند صد سال قبل از کمال‌الملک، آن کارها را بهتر انجام داده‌اند. هنر معاصر چون با فضای امروز و نگاه امروز هماهنگی بیشتری دارد و فراتر از بحث زیبایی‌شناسی، یک کناسپت هم دارد، می‌تواند خیلی مثبت باشد. نشان دادن اینکه ما به طور مثال نقاش پست‌مدرن هم فارغ‌التحصیل‌هایی ما از دانشگاه‌های هنر بسیار زیاد است، اما اینها چه می‌شوند؟ کجا کارشان دیده می‌شود؟ باید بستر نمایش‌هایی اینچنینی فراهم شود تا هنرمندان خوب از بین آنها کشف شوند.

■ **با توجه به این پرسشی که مطرح کردید که فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های هنر چه می‌شوند، پس به نظر شما منتقد در معرفی هنرمند و جریان‌سازی‌های هنری چه نقشی دارد؟**

واقعت این است که منتقد هنری در دنیای امروز آنچنان اهمیت ویژه‌یی دارد که می‌تواند روند و سیر حرکتی یک هنرمند را تغییر بدهد. چه کار فردی باشد مانند نقاشی، عکاسی یا یک محصول کلامی سینما. این نقش وقتی مهم می‌شود که هنرمند پذیرد منتقد، نگاه جامعه‌تری نسبت به هنر دارد. آنگاه هنرمند به واسطه نظریات انقلاب‌داده‌شده توسط منتقد و با توجه به احساسات درونی خودش، مسیر تازه‌یی را کشف می‌کند. متأسفانه در اینجا به جز تعداد معدودی منتقد خوب، گروه زیادی صرفاً برای اینکه در فضایی هنری آمد و شد داشته باشند و رودرپایستی، نحوه ارتباط‌مان را محدود کرده‌ایم. وارد این عرصه شده‌اند، بدون داشتن ابزار و دانش کافی از مقرله نقد هنری. دومین اشکال ما این است که دچار مسائل شخصی هستیم. به واسطه آداب شرقی، احترام زیاد از حد و رودرپایستی، نحوه ارتباط‌مان را محدود کرده‌ایم. قرار است منتقد راه‌ما باشد، تحلیل کند اما دوستی‌های شخصی سدی می‌شود تا منتقد نظرات واقعی و مشکلات کار را به سادگی منتقد ندهد در حالی که منتقد باید فارغ از ملاحظات شخصی، راحت و بی‌برده‌نظر بدهد.

■ **سوال آخر را هم درباره سینما پرسیم. این روزها سومین قسمت فیلم کلاهقرمزی به نام «کلافقرمزی و پچینه‌تبه» روی پرده سینماست. کمی درباره مراحل تولید آن توضیح بدهید.**

از سختی‌های این پروژه زمان تولید آن بود که به زمستان خورد. بیشترین فشار روی عروسک‌گردان‌ها بود، خصوصاً خانم فنی‌زاده که عروسک‌گردان کلاه‌قرمزی هستیم. من خودم فیلم را که می‌بینم، واقعاً برای عروسک‌گردان‌ها ناراحت می‌شوم، که چقدر زحمت کشیده‌اند و کاری نشدن را ناشنی کرده‌ام. اما دیده هم نمی‌شوند، به این معنا که در بیرون مردم درباره کلاه قرمزی به من نظر می‌دهند اما عروسک‌گردان‌ها دیده نمی‌شوند چون مردم فراموش می‌کنند که این کاراکترها عروسک هستند و یک نفر باید به آنها جان بدهد تا حرکت کنند. سرمای شدید، فیلمبرداری در پادگان، کار با جمعیت زیاد، لوکیشن‌های متعدد و… کار تولید را بسیار دشوار کرد، اما خوشحالم که ایرج طهماسب در پایان رضای است چون طهماسب سلیقه خاصی دارد و در لحظه گروه سختی می‌کشد، اما در فیلم که محصول نهایی است، همه‌رضای می‌شوند و می‌بینند که سختگیری‌های طهماسب درست بوده است. به هر حال کار سختی بود و امیدواریم آینده خوشش بیاید. فرضایت بیننده موجب بازگشت سرمایه فیلم می‌شود و این به آن معناست که ما می‌توانیم دوباره فیلم تولید کنیم. ما بخش خصوصی سینما هستیم و این یعنی اگر پول برنگردد، دیگر نمی‌توانیم فیلم بسازیم. واقعت این است که در سینما، بخش خصوصی در حال نابودی است. عرضه و تقاضا در سینمای ما به هم خورده است، بلیت‌ها را گران می‌کنند، بیننده کم می‌شود، بلیت ارزان باشد، سینمادار دچار مشکل می‌شود. هزینه تولید فیلم سیر صعودی داشته در صورتی که فروش سیر نزولی داشته است و این کار تولید را برای بخش خصوصی غیرممکن می‌کند. تلویزیون چون درآمدش از تکنک بینندگان فیلم‌ها نیست، می‌تواند به کارش ادامه دهد و فیلم‌هایی که توسط ارگان‌های دولتی حمایت می‌شوند، چون اهداف دیگری مانند اهداف فرهنگی دارند، فروش و بازگشت سرمایه اولویت آنها اول نیست. امروزه در بخش خصوصی، اهداف فرهنگی هنوز هم مهم است اما چون بازگشت سرمایه در مرحله نخست اهداف قرار دارد، ساختن فیلم‌های چون «خواب سفیده» و «پسر مریم»، دیگر نشدنی است.

خبر

هنرمند ایرانی راهی دوسالانه

بین‌المللی پکن می‌شود

ایستنا | شیمافریدنی، هنرمند ایرانی، یکی دیگر از نمایندگان نسل جوان هنر ایران را در پنجمین دوسالانه بین‌المللی پکن با شعار «آینده و واقعبیت» است.

این نمایشگاه از ۷ سپتامبر/۱۷ شهریورماه در چین برگزار می‌شود و یک اثر نقاشی از شیمافریدنی به نام «آینه» که بر اساس نشانه‌شناسی دنیسای ذهنی هنرمند و نگارش زنانه نسبت به زندگی خلق شده، برای شرکت در پنجمین دوسالانه پکن از سوی هیات داوران پذیرفته شد.

شیمافریدنی هنرآموخته موسسه «ماه‌مهر» است و هم‌اکنون سرگرم تحصیلات تکمیلی در رشته هنر در خارج از کشور است. او پیش از این مجموعه‌یی از نقاشی‌های خود را در سال ۱۳۸۹ در نگارخانه الهه به نمایش گذاشته بود که با استقبال زیاد علاقه‌مندان روبه‌رو شد.

فریدنی متولد ۱۳۶۱ است و گواهی کارشناسی نقاشی خود را از دانشکده هنر و معماری دریافت کرده است. نصرت‌الله شنمیان درباره نقاشی‌های این هنرمند نوشته است: «شیمافریدنی به دنبال دستیابی به فضایی ذهنی است. نقش‌ماهی و موتیف‌ها هر یک در ارتباط با دیگر عناصر بصری و نمادین، در خلق چنین فضایی تأثیر گذار هستند. ارتباط نشانه‌شناسی که اجزای آثار او، در نهایت به کلیتی پارادوکسیکال می‌رسد، هویت تصویر او را شکل می‌دهند.»

او در ادامه می‌نویسد: «شیمافریدنی نقاش تناقض‌ها، فانتزی‌ها و اشکال خیال‌انگیز زنانه است. او نمونه موفق هنرمندان جوان است که با درک اصولی از امکانات رسانه خود، در پی ایجاد نوعی هنر معاصر است که بیش از هر چیز واقعبیت‌های زمانه را بازتاب می‌دهد.»

با انتخاب شیمافریدنی از سوی پنجمین دوسالانه پکن، این هنرمند در کنار آثار پهلپهانی، دیگر هنرمند جوان ایرانی، قسرام می‌گیرد که امسال از ایران در این دوسالانه حضور دارد.

دوسالانه بین‌المللی پکن یکی از مهم‌ترین رویدادهای هنری آسیاست که از سوی بسیاری از مجموعه‌داران و مجموعه‌سازان «کوریتور»های جهان نمایشگاه آن به دقت رصد می‌شود و بسیاری از شرکت‌کنندگان در این دوسالانه جذب بازارهای بین‌المللی می‌شوند. پیش از این در نخستین دوره برگزاری این دوسالانه دو هنرمند از ایران به نام‌های نصرت‌الله مسلمان و افشین پیرهاشمی حضور زیاد بودند که هم‌اکنون در دو این هنرمندان به موقعیت اقتصادی خوبی در حراج کریستی دست یافته‌اند.

هم‌زمان با اجلاس تهران

هزار متر مربع نقاشی دیواری

اجرا می‌شود

ایستنا | سازمان، زیباسازی شهر تهران با شست‌وساز، مرمت و بازسازی نقاشی‌های دیواری، تهران را برای برگزاری شانزدهمین اجلاس سران کشورهای عضو جنبش عدم تعهد آماده می‌کند. سیدمحمدجواد خوشتری، مدیرعامل سازمان زیباسازی، با اعلام این خبر گفت: اداره نقاشی سازمان زیباسازی برای حف اجلاس و پاکسازی آلودگی‌های بصری در مسیرهای تردد مهمانان اجلاس، بهینه‌سازی ۱۸ پل سواره‌رو و در مسیر تجریش تا بهشت‌نر(ها رس) و طراحی و اجرای هزار متر مربع نقاشی دیواری را در دستور کار خود قرار داده است.

با پایان اینکه حذف و پاکسازی نقاشی‌های دیواری سطح شهر توسط انجمن هنرمندان نقاشی ایران انجام می‌شود، ادامه داد: ارائه فهرست نقاشی‌های دیواری نامناسب به مناطق برای احیای و پاکسازی آن، یکسری دیگر از فعالیت‌های سازمان به همین منظور است.

برای اجرائی مناسب و سریع مسیر تردد اجلاس، انتخاب و معرفی مجریان نقاشی دیواری به مناطق را انجام داده است، افزود: طی بازدید اولیه از مسیر تردد، دیوارها و پل‌هایی که پتانسیل طراحی و اجرائی نقاشی دیواری را دارند، شناسایی شد. به گفته او برای تسریع در روند پاکسازی، لیست دیوارهای شناسایی‌شده به متعلق ۲۲گانه ارسال شد که اجرای این پروژه با انجام همکاری مناطق صورت می‌گیرد.

مدیرعامل سازمان زیباسازی شهر تهران با اشاره به اینکه انتخاب و معرفی مجریان نقاشی دیواری و مجریان حذف و پاکسازی از دیگر اقدامات اداره نقاشی برای تسریع روند آماده‌سازی تهران بود، گفت: طبق بررسی‌های صورت‌گرفته ۱۷ هزار و ۷۰۰ مترمربع دیوار و پل که پتانسیل طراحی و نقاشی دیواری را دارند، شناسایی شده است. خوشبختی با تأکید بر اینکه عمده فعالیت‌های اداره نقاشی دیواری در مسیر تردد به سمت محل برگزاری اجلاس صورت می‌گیرد، ادامه داد: طبق بررسی‌های صورت‌گرفته از سوی اداره نقاشی، ۱۴ هزار متر مربع نقاشی دیواری که نیاز به حذف و پاکسازی دارند، شناسایی شده است. مدیرعامل سازمان زیباسازی شهر تهران طراحی نقاشی‌های دیواری با مضمون «صلوات» با تکنیک ماندگار و نیمه‌ماندگار، کاشی شکسته و اکریلیک را از دیگر فعالیت‌های سازمان زیباسازی برای بهبود کیفیت منظر شهر تهران دانست و افزود: مجسمه «خلیج فارس» در مسیر تردد و مجسمه‌های «صلح» در محل برج میلاد و سالن اجلاس نصب خواهد شد.